



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی

سال یازدهم، شماره‌ی ۳۵
پاییز ۱۳۹۰، صفحات ۱۳۴-۱۱۵

مهدی پورطاهری^۱
عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری^۲
منصوره نیکبخت^۳

اثرات تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی (نمونه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان قزوین)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۰۷/۲۹

چکیده

فرهنگ یا به عبارتی راه و روش زندگی جوامع انسانی در برگیرنده اقتصاد، معیشت، نحوه زیست، طرز مصرف خوراک و پوشاک، مسکن، سیاست، حکومت، نظام‌های سیاسی، آداب و رسوم، نظام ازدواج و خویشاوندی، تفکرات مذهبی و متافیزیکی و همه امور انسانی و غیر انسانی، همواره به دلایل گوناگون در حال تغییر و تحول است (ازکیا، ۱۳۷۹: ۱۷). بررسی‌های انسان‌شناسی و فرهنگی حاکی از آن است که عوامل مختلف

E-mail: mahdit@modares.ac.ir

۱- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس.

۲- دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت مدرس.

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.

چون اختراع و نوآوری یا اشاعه و اقتباس فرهنگی که در درون یا بیرون یک جامعه تکوین می‌یابند در تغییرات فرهنگی دخالت دارند به طوری که میزان دگرگونی و تغییر در یک فرهنگ خاص بستگی به شدت و ضعف عوامل فوق خواهد داشت. در واقع هر چه میزان این عوامل کمتر باشد تغییر و دگرگونی فرهنگ مربوطه کندتر خواهد بود (امان‌اللهی، ۱۳۶۲: ۱۰۳). این مقاله به بررسی اثرات تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن روستایی پرداخته و سعی نموده است تا تأثیر هر یک از اجزاء فرهنگ را بر تغییرات الگوی مسکن روستایی بررسی نماید. برای شناخت اثرات تغییرات فرهنگی بر مسکن روستایی سعی بر آن است تا سبک معماری در بناهای مسکونی سنتی و جدید مورد واکاوی عمیق قرار گیرد. در این راستا مسکن ۱۰ روستا از روستاهای بخش مرکزی شهرستان قزوین به عنوان جامعه نمونه انتخاب شده است. نتایج حاصل از مطالعات میدانی مشخص نمود که بین تغییرات فرهنگی و رضایت از مسکن، نقشه معماری، مقاومت مسکن، محل نگهداری دام در خارج از ساختمان، مصالح اصلی به کار رفته در ساخت مسکن، نوع بنای واحد مسکونی، تعداد خانوار، آسایش در منزل، نمای واحد مسکونی، مصالح کاربردی در نمای مسکن، نقشه معماری آشپزخانه، وسایل سرمایش و گرمایش منزل، مساحت کل زمین، مساحت کل زیربنا، عمر ساختمان و تعداد طبقات رابطه مستقیم معنادار وجود دارد. همچنین مشخص شد که بین تغییرات فرهنگی و تغییر در الگوی مسکن روستایی رابطه خطی معناداری برقرار است.

کلید واژه‌ها: تغییرات فرهنگی، الگوی مسکن روستایی، قزوین.

مقدمه

فرهنگ‌ها اعم از مادی و غیر مادی با گذشت زمان در حال تغییر و دگرگونی‌اند و به تناسب این دگرگونی نظم جدیدی به وجود می‌آید. بررسی‌های انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی حاکی از آن است که عوامل مختلفی چون اختراعات، اکتشافات، نوآوری‌ها،

افزایش جمعیت، تحولات اکولوژیکی، جنگ‌ها، تماس فرهنگ‌ها، همگی در تغییرات فرهنگی دخالت داشته و این تغییرات بر بافت کالبدی مساکن روستایی و شهری عمیقاً تأثیر نهاده و آن را در مدت زمان کوتاهی دستخوش دگرگونی می‌کنند (امان‌اللهی ۱۳۶۲: ۱۰۳). به این ترتیب مساکن نیز به عنوان بخشی از فرهنگ غیر مادی از این تحولات به دور نیستند. یکی از عواملی که باعث ایجاد تغییرات فرهنگی در جامعه می‌شود محصولات فرهنگی بویژه وسایل ارتباط جمعی است که منجر به تغییر الگوی رفتاری جامعه می‌شود. در میان عوامل رسانه‌ای، نوع رسانه و قابلیت فراگیری آن و در میان عوامل غیر رسانه‌ای، سیاست‌های دولت نقش به‌سزایی در جهت‌دهی علایق و سلاقی جامعه به عهده دارند. رسانه‌های مکتوب و الکترونیکی در فرایند انتقال فرهنگی بویژه در مناطق روستایی به سرعت در حال افزایش است. در میان رسانه‌های الکترونیکی، رادیو و تلویزیون نقش بسیار حساس‌تری ایفا می‌کنند. در سال‌های اخیر جوامع روستایی کشور دچار شدیدترین تغییرات اجتماعی شده که بی‌تردید توزیع جغرافیایی محصولات فرهنگی در ایجاد این تغییرات بسیار موثر بوده است (طاهرخانی، ۱۳۸۲، ۸۸). بسیاری از محققان هر جامعه را به صورت صحنه رویارویی و تأثیرات متقابل دو نیرو فرض کرده‌اند. یکی نیرویی که مردم را به طرف تغییر می‌کشاند و دیگری نیرویی که آنان را به حفظ وضع موجود وا می‌دارد. نیروی اول تلاش می‌کند که برای استقرار خود توازن نیروی دوم را برهم زند و دومی سعی دارد تا اولی را از رسیدن به مقصود بازدارد. از آنجا که گرایش به تغییر اصل بنیادی فرهنگ است، همیشه نیروهای نوآور با کنار زدن تدریجی نیروهایی که حافظ وضع موجود هستند جایی برای خود باز می‌کنند و موجب تغییر می‌گردند (فاستر ۱۳۷۸: ۴۵). آنچه باعث تغییر می‌شود احتمالاً از درون یا بیرون جامعه نشایت می‌گیرد. از عوامل موثر در ایجاد تغییر در یک جامعه میزان انعطاف‌پذیر و باز بودن محیط فرهنگی یک جامعه است. هرچه جامعه از نظر عقیدتی انعطاف‌پذیرتر باشد تغییر را سریع‌تر خواهد پذیرفت. عامل مهم دیگر

نتیجه بعد از تغییرت است یعنی نتیجه تغییر فرهنگی ممکن است مثبت نبوده و باعث ایجاد نابسامانی در یک محیط شود.

مسکن روستایی به عنوان عنصری مادی و فرهنگی در سال‌های اخیر از تغییرات و دگرگونی‌هایی وسیعی برخوردار شده است. این عنصر فرهنگی علاوه بر نقش سکونت، به عنوان بخشی از فضای اشتغال، تولید و همچنین انبار نگهداری ملزومات زندگی روستائیان مطرح است. این امر از نقش سکونت و شیوه زیست و کیفیت استفاده از محیط و اقتصاد حاکم در روستا و سنت‌ها و هنجارهای پنهان و آشکار روستایی نشایت می‌گیرد؛ لذا بروز تغییرات فرهنگی و اثرات آن بر الگوی مسکن روستایی منجر به فروپاشی الگوی سنتی مسکن که منطبق با شرایط اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاست، خواهد شد؛ لذا ملاحظات فوق‌انگیزه اصلی را برای مطالعه این مسأله فراهم ساخته است. به این ترتیب عمده‌ترین اهداف و سوالاتی که در راستای این تحقیق مطرح می‌شوند، محاسبه درجه تغییرات فرهنگی و تبیین رابطه میان شاخص تغییرات فرهنگی و شاخص‌های مسکن روستایی در بخش مرکزی شهرستان قزوین است. در این راستا این سوال اساسی مطرح است که آیا تغییرات فرهنگی ایجاد شده در سطح خانوارهای روستاهای مورد مطالعه بخش مرکزی شهرستان قزوین بر الگوی مسکن آنان تأثیری داشته است؟ و اینکه بیشترین تغییرات در الگوی مسکن ناشی از تغییرات فرهنگی در کدام یک از شاخص‌های مسکن روستایی به وقوع پیوسته است؟ در جهت پاسخگویی به این سوالات پیشنهادی تحقیق مطابق جدول (۱) مورد بررسی قرار گرفته شده است.

جدول (۱): پیشینه تحقیقات مرتبط با اثرات تغییرات فرهنگی بر الگوی مسکن

محقق	عنوان پژوهش	محتوا و نتایج پژوهش
زرعی پور دژکوه	بررسی مردم شناسی معماری سکونتگاههای سستی دهشت و سیر تحول آن	فرهنگ و مسکن دو عنصر از حیات بشر هستند که بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند که از طریق انتخاب اجزاء فرهنگ می‌توان به ارتباط آن پی برد که در فصل ششم آن به پارامترهای چون عوامل زیست محیطی و عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر بافت مسکن توجه شده و در مورد آن بحث شده است
محمد رسول حیدریور	تغییرات فرهنگی در روستای لات محله رامسر	تغییرات در حوزه مسکن، خوراک، پوشاک، باورها، تفریحات و سرگرمی در این روستا را مورد بررسی قرار داده است و عمده‌ترین دلایل تغییرات فرهنگی را با گسترش وسایل ارتباط جمعی همچون رادیو و تلویزیون، مرتبط می‌داند
ویگو ژانگ	Zhang weiguo, changing nature of family relation in a Hebei village in a Hebei village in change	نوع روابط خانوادگی زمایی که جمهوری خلق چین در نیمه قرن ۲۰ تحت اصلاحات اقتصادی به وجود آمد تغییر یافته است. از جمله بعد خناور کاهش یافت. قدرت و اقتدار و اختیار در زمینه‌های مختلف بیشتر در بین نسل‌های جوان تر وجود دارد. خانواده هسته‌ای در حال افزایش است و هم چنین روابط خویشاوندی افزایش یافته و کارکرد مهمی در سازمان اجتماعی بر عهده دارد.
کیریک جلسون	Johnsonkirik2000,Television and social change in Rural India,New Delhi	کیریک جلسون خاطر نشان می‌سازد که در چند سال گذشته پیشرفت‌های مهمی از جمله استفاده از تلفن، بهتر شدن جاده‌ها، بهبود سیستم‌های آب و دسترسی به مراقبت‌های پزشکی در زندگی روستائیان رخ داده است. امروزه کاربرد تلویزیون به عنوان یک کالای مادی دارای بیشترین اثر به عنوان یک رسانه ارتباطی و عنصر فرهنگی قوی مطرح و کاربرد آن باعث تغییرات اجتماعی و فرهنگی در زندگی روستائیان شده است. از جمله باعث گسترش مهاجرت، گسترش مصرف گرایی و تغییر شکل مسکن شده است.
ریموند بلاک و آندرو نرس	Blak Rymond,Nurse Androw,The Traject ories of rural lifencw perspectives on rural on rural Canada	معتقدند که روستاهای کانادا در چند سال اخیر تحت تأثیر فرایند های جهانی سازی، شهرنشینی، گسترش تکنولوژی مدرن و افزایش مراکز خدمات اقتصادی و غیره قرار گرفته‌اند که این عوامل به نوبه خود باعث تغییرات اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و اقتصادی در روستاها شده است.
میکائیل لیف	Leaf,Michael,Atale of Two villages :Glob in china and Vietnam	معتقد است که در دو دهه گذشته تأثیرات شهرنشینی به واسطه ارتباطات جهانی در روستاهای چین و ویتنام به طور فرایندهای سریع و انفجاری بوده و باعث تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شده است.
محمد عبدالله صالح	Saleh,Mohammad1998,Abdullahi ntegration of Tradition and modernity, Habitation internataional,	در پژوهش خود اشاره می‌کند که الگوهای معماری و سبک خانه سازی در عربستان سعودی از حالت سستی به مدرن تغییر یافته و از معماری مدرن شهری در سبک خانه سازی روستایی استفاده شده است. بنابراین به واسطه تغییرات اجتماعی و فرهنگی که به وجود آمده الگوهای سستی معماری کمرنگ تر شده است.
م. حسن و همکاران	rural housing in bungladesh: an inquiry in to housing typology Construction technology and in dlgenous practices	محقق اشاره می‌کند که در بنگلادش خانه نماد جایگاه و مقام و وضعیت ساکنین روستایی است. از این رو طرح خانه‌ها بر اساس وضعیت اقتصادی-اجتماعی ساکنان آن متفاوت است و ساختار و طرح مساکن بازتابی از وضعیت و شان افراد ساکن در آن است. خانه‌های روستایی در بنگلادش عمدتاً بر مبنای وضعیت اجتماعی و اقتصادی صاحبان آنها از یک یا چند اتاق تشکیل شده‌اند. شکل و اندازه اتاق‌ها متفاوت است که البته شکل مستطیل برای اتاق‌ها رایج تر است.
آیسیلی حسن اوغلو و همکاران	-cultural processes and physical change in sishi -Istanbul,Isil Hachisanoglu,orhan Hachisanoglu2005	در این مقاله اثرات فرایند های فرهنگی بر سیستم خانه سازی و تغییرات فیزیکی محیط و فضا بیان شده است.
امیر	Ember,1998,cultural Anthropology,London	امیر معتقد است که هر جامعه‌ای مرکب از عناصر مادی و غیر مادی است. زمایی که تغییر عملیاتی در یک جامعه به وجود می‌آید، عناصر غیر مادی کثرت از سایر جنبه‌های فرهنگ دگرگون می‌شوند. البته در مقابل سرعت تغییرات فنی، عقب افتادگی تغییر ارزش‌ها، موجب فشارها و بحران‌هایی خواهد شد، اما در عین حال این محافظه کاری ارزش‌ها، شبیه ترمزی است که جریان بی حساب و بی بند و بار دگرگونیها را کند می‌کند و جامعه فرصت می‌یابد تا بدون بهم ریختگی ساختار اصلی خود فنون و روش‌های تازه را جذب کند.

مبانی نظری

مسکن در مجموعه بافت روستا به عنوان یک جزء از هویت کلی روستا و ایفاگر نقشی چند کارکردی است. مسکن علاوه بر نقش سکونت به عنوان بخشی از فضای اشتغال و تولید مطرح بوده که این امر از نقش سکونت و شیوه زیست و کیفیت استفاده از محیط و اقتصاد حاکم در روستا و سنت‌ها و هنجارهای پنهان و آشکار روستایی نشایت می‌گیرد (روح الامینی، ۱۳۷۰). با تکیه بر نظریه کارکردگرایی وحدت اجزای مسکن اهمیت یافته و دوام و بقا اجزاء مسکن به فایده و سودمندی آنها ربط می‌یابد. طبق نظریه کارکردگرایی در مطالعه مسکن پیوستگی و کلت اجزاء و عناصر اصلی آن مهم است. کارکردگرایی می‌گوید ما در مطالعه مسکن یک کل و اجزا داریم که با هم رابطه و پیوستگی دارند (فکوهی، ۱۳۸۱، ص ۱۵۹).

در کارکردگرایی منظور از اصل جامعیت آن است که هر پدیده مادی و یا اجتماعی به عنوان جزئی در نظر گرفته می‌شود و در رابطه با کل تحلیل می‌شود. پس یک جزء مسکن را در رابطه با اجزاء دیگر باید تحلیل کنیم. مکتب کارکردگرایی اجزای یک مسکن را دارای پیوستگی و وابستگی متقابل می‌داند. منظور از پیوستگی نوعی پیوند مستقیم و محسوس میان اجزای یک کلت است. هدف اصلی نظریه کارکردی این است که در مورد موضوع مورد مطالعه، الگوی گردآوری اطلاعات و دید علمی مناسبی در اختیار پژوهشگر قرار دهد (مالینوفسکی، ۱۳۷۸: ۲۱۳). گاه تغییرات فرهنگی از دیدگاه ساختارگرایی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. ساختارگرایی نوعی نظریه در علوم اجتماعی است که ریشه در آثار زبان‌شناسان و انسان‌شناسان فرانسوی دارد. این نظریه نیز به تغییر معتقد است و آن را در درون ساختارهای اجتماعی اجتناب ناپذیر می‌داند. از میان متفکران متعدد ساختارگرایی، دیدگاه‌های رادکلیف و براون^۴ با اهداف ما در بررسی تغییر هماهنگ است. آنان ساخت را ترتیب نظم یافته‌ای از اجزاء یا عناصری که یک کل را تشکیل می‌دهند تعریف کرده و می‌کوشند تا سه مفهوم ساخت، کارکرد، فرایند را به یکدیگر پیوند دهند. ساخت به نظر آنان شبکه روابط اجتماعی میان نظام‌های خویشاوندی،

4- Rudcliff and Brown

دین و سیاست است. آنان بر این باورند که در طول زمان، شکل ساختی ثابت باقی می‌ماند اما ساخت واقعی که شامل شبکه روابط اجتماعی است، در معرض دگرگونی‌های چشمگیری قرار می‌گیرد. این بدان معناست که ساخته‌ای اجتماعی مانند خانواده ثابت باقی می‌ماند اما روابط افراد درون این ساخت، تغییر می‌کند (ریویر ۱۳۷۹، ۸۲).

رادکلیف و براون همانند مالینوفسکی برای هر فعالیت، کارکردی قائل هستند و وجود این کارکرد را باعث نظم و هماهنگی در زندگی اجتماعی می‌دانند. بنابراین مکتب ساختارگرایی نیز به تغییرات اعتقاد داشته و تغییرات در ساخت‌ها مثلاً ساخته‌ای خویشاوندی و یا ساخته‌ای دینی را نوعی اصل اجتناب ناپذیر تلقی می‌کند. از دیگر نظراتی که معتقد به بروز تغییرات در طول زمان می‌باشد می‌توان به نظریه اشاعه گرایی اشاره نمود. این نظریه معتقد است که فرهنگ جوامع از یک یا چند مرکز نشایت گرفته و به خاطر لشگرکشی‌ها و رفت و آمدها در اثر اقتباس، تقلید یا اخذ یک فرهنگ از فرهنگ دیگر شباهت‌هایی بین فرهنگ‌ها به وجود آمده است. در واقع بحث اصلی این نظریه توجه به تغییرات فرهنگی و شباهت‌های فرهنگی است که عمدتاً به کشف تأثیرات فرهنگی تغییرات مختلف زندگی و نفوذ آنها پرداخته‌اند.

اساس روش شناسی این نظریه با نظریه تکامل گرایی تفاوت دارد، به طوری که طبق رویکرد اشاعه گرایی سیر مراحل تمدن و فرهنگ بر روی یک خط و در هر جامعه به طور مستقل صورت نمی‌پذیرد بلکه فرهنگ‌ها از یک یا چند مرکز آغاز و بعد در سایر نواحی پخش شده‌اند (معینی، ۱۳۷۴ ص ۷۳). بر اساس این نظریه برای شناخت احوال و خصوصیات فعلی یک جامعه باید تاریخ فرهنگی آن جامعه را با توجه به روابطش با جوامع دیگر جستجو و ترسیم کرد. البته فرض بر این است که به علت محدود بودن نسبی ابداعات، اکثریت فرهنگ‌ها از چند مرکز اشاعه گرفته‌اند. به عبارت دیگر به نظر تکاملیون دو نهاد و زمینه فرهنگی مشابه در دو جامعه متفاوت به منزله دو مسیر تحولی مستقل و موازی تلقی می‌شوند که هر کدام بدون تأثیر و تأثر فرهنگ‌های دیگر در خط پیوسته تحول، قرار دارند. در صورتی که به نظر اشاعیون این شباهت به علت آمد و شدها و داد و ستدها و مهاجرت‌ها، نتیجه اخذ مستقیم یا غیر مستقیم یکی از دیگری است (روح الامینی، ۱۳۷۴: ۱۱۹، ۱۱۸).

اشاعه گرایان تغییر را عموماً نشانی از تأثیر پذیری از محیط بیرونی می‌دانند که به نوعی از خلال هم‌جواری یا انتقال و حرکت، پدیده‌های فرهنگ مبدأ را به محیط فرهنگ مقصد رسانده است. اشاعه گرایان کمتر به توانایی فرهنگ‌ها در کشف و ابداع باور دارند و بیشتر به قابلیت آنها در تقلید و فرهنگ پذیری تاکید می‌کنند. بنابراین آنان بیش از آن که به سراغ قوانین زایش و تطور درونی پدیده‌های فرهنگی بروند در جست و جوی قوانین حرکت و جا بجایی زمانی- مکانی این پدیده‌ها هستند (فکوهی، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

از میان اشاعه گرایان معاصر ایورت راجرز^۵ نگرش سنتی به اشاعه را به عنوان موضوع اصلی خود انتخاب کرده و مطالعه‌ای نیز در زمینه اشاعه نوآوری انجام داده است. وی اشاعه را به عنوان الگویی از دگرگونی فرهنگی در نظر می‌گیرد (معینی، ۱۳۷۴: ۷۸). از نظر راجرز سه عنصر اساسی نوآوری، ارتباط و نظام اجتماعی در تجزیه و تحلیل اشاعه وجود دارند. در این بین نوآوری، به عنوان ایده‌ای جدید که به وسیله افراد مورد پذیرش قرار می‌گیرد تلقی می‌شود. جدید بودن یک ایده باعث می‌شود که فرد نسبت به آن عکس‌العمل نشان دهد (Rogers. 1962: 13). ارتباط نیز اشاعه فرایندی است که از طریق آن یک نوآوری گسترش می‌یابد و نظام اجتماعی نیز در برگیرنده گروهی از افراد است که دارای کارکردهای متفاوتی می‌باشند و به صورت دسته جمعی به حل مشکلات می‌پردازند. اعضای نظام اجتماعی افراد هستند. به این ترتیب می‌توان استنباط نمود که فرایند های فرهنگی مختلف بر سطوح متفاوت مکان و محیط مسکونی تأثیراتی دارند. تکامل فرهنگ‌ها در ارزیابی تاریخی به وقوع می‌پیوندد که به عنوان یکی از نتایج تجارب منتقل شده از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد. الگوی ساخت مسکن مطابق با فرایند های فرهنگی به طور فیزیکی تغییر می‌کنند. این تغییر فیزیکی منجر به دگرگونی استفاده از مکان، الگوی مسکن و محیط نزدیک به آن می‌شود. فرایند تغییرات فرهنگی، انواع مکان و الگوهای مسکن را در یک زمان و مکان محدود تحت تأثیر قرار می‌دهد. به این ترتیب تغییرات فرهنگی مستمر، محیط فیزیکی را تغییر داده و الگوی مسکن را نیز به خاطر سبک‌ها و آداب مختلف زندگی متمایز می‌سازد.

5- Evert Rogers

رابطه متقابل بین گروه‌های قومی از یک فرهنگ نیز تأثیراتی در الگوی مسکن بر جای می‌گذارند. چینه بندی زمین و شهرسازی موجب به وجود آمدن الگوهای متفاوت مسکن شده‌اند که از جمله آنها می‌توان به خانه‌های ردیفی، آپارتمانی و انبوه سازی اشاره نمود که با فرایند های فرهنگ پذیری و دگرگونی‌های فرهنگی مرتبط هستند (Wells, 1971, 905) به نظر می‌رسد عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی باعث تغییر شکل مسکن می‌شوند. ضمن اینکه خاطر نشان می‌شود که سرعت شهر نشینی و جهانی شدن نیز در تغییر شکل مسکن تأثیر گذار بوده‌اند (Mai et al: 2006, 55). چوگر^۶ معتقد است که تغییرات فرهنگی به خصوص تغییر از ارزش‌های سنتی و گرایش به سبک زندگی غربی بر الگوی مسکن و طرح‌های مسکونی اثرات متعددی بر جای نهاده است (Turgut, 2001: 51-52) همچنین به نظر می‌رسد عوامل اقتصادی، باورهای فرهنگی و یا دیدگاه‌های روان‌شناختی نیز بر تغییرات الگوی مسکن موثرند. برای نمونه انگیزه کسب درآمد قادر است در تبدیل اتاق‌ها به مغازه به خصوص در مواردی که اتاق‌ها به سمت خیابان هستند تأثیر داشته باشد و یا می‌توان به اعتقادات چینی‌ها اشاره نمود که معتقدند ارواح خبیثه از خطوط مستقیم برای رسیدن به محل سکونت انسانها استفاده می‌کنند لذا ورودی خانه‌ها بویژه در مناطق روستایی به حداقل رسیده است (Hsu, 2002: 52).

نمونه دیگری از تغییرات مسکن متأثر از تغییرات فرهنگی را می‌توان در مناطق روستایی نیجریه مشاهده نمود که در آن سبک و الگوی مسکن روستایی به سمت نیمه شهری شدن حرکت نموده است (Walker, 2001, 54) به نظر می‌رسد تغییرات الگوی مسکن روستایی در این کشور بویژه در سه دهه اخیر بر اثر تغییرات فرهنگی، شهری شدن و جهانی شدن صورت پذیرفته است (Alnaim et al, 2004, 56).

در میان عوامل موثر در بروز تغییرات فرهنگی شاید صنعتی شدن به منزله قوی‌ترین و مؤثرترین عامل مطرح بوده است. در اثر انقلاب صنعتی تمامی فرهنگ‌های بشری دوباره شکل یافته‌اند. سنت‌هایی با قدمت هزاران سال به سرعت منسوخ شده‌اند (جردن، راونتری):

۵۲۲-۵۲۱). ریموند بلاک و آندرو نرس^۷ در بررسی خود تحت عنوان روند و خط سیر زندگی روستایی در روستاهای کانادا معتقدند که روستاهای این کشور در چند سال اخیر تحت تأثیر فرایند های جهانی سازی، شهرنشینی و گسترش تکنولوژی‌های مدرن قرار گرفته‌اند که این عوامل به نوبه خود باعث تغییرات اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و اقتصادی در روستاها شده‌اند (Nurse and Blak, 2000,66).

چنین تغییراتی بویژه در مسکن روستایی متأثر از تغییرات فرهنگی در روستاهای ترکیه نیز ملموس است. برای نمونه مقاله‌ای تحت عنوان فرایند های فرهنگی و تغییرات کالبدی به تبیین اثرات تغییرات فرهنگی بر مسکن روستایی بویژه تغییرات فضایی و کالبدی مسکن پرداخته و نظام ساخت واحدهای مسکونی جدید را متأثر از فرهنگ غرب مورد نقد و بررسی قرار داده است (Hacihasanoglu, 2005, 902). به این ترتیب می‌توان استنباط نمود که تغییرات فرهنگی به لحاظ بعد نظری عاملی تأثیر گذار بر تغییرات الگوی مسکن روستایی است. با این وجود شدت تأثیر گذاری بر اجزا تشکیل دهنده مسکن می‌تواند امری متفاوت باشد.

مواد و روش‌ها

در این پژوهش روش تحقیق به صورت پیمایشی و توصیفی-تحلیلی است، به طوری که در مرحله‌ی توصیفی به شناخت وضع موجود پرداخته و در روند کار با استفاده از تجزیه تحلیل آماری به استنتاج و تبیین نتایج پرداخته شده است. باید خاطر نشان نمود که روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، میدانی از طریق طراحی پرسشنامه و تنظیم سوالات در قالب طیف لیکرت صورت گرفته است. طراحی سوالات در راستای سنجش شاخص‌های تغییرات الگوی مسکن و تغییرات فرهنگی مطابق جداول (۲) و (۳) انجام پذیرفته است.

7- Rymond Blak and Androw Nurse

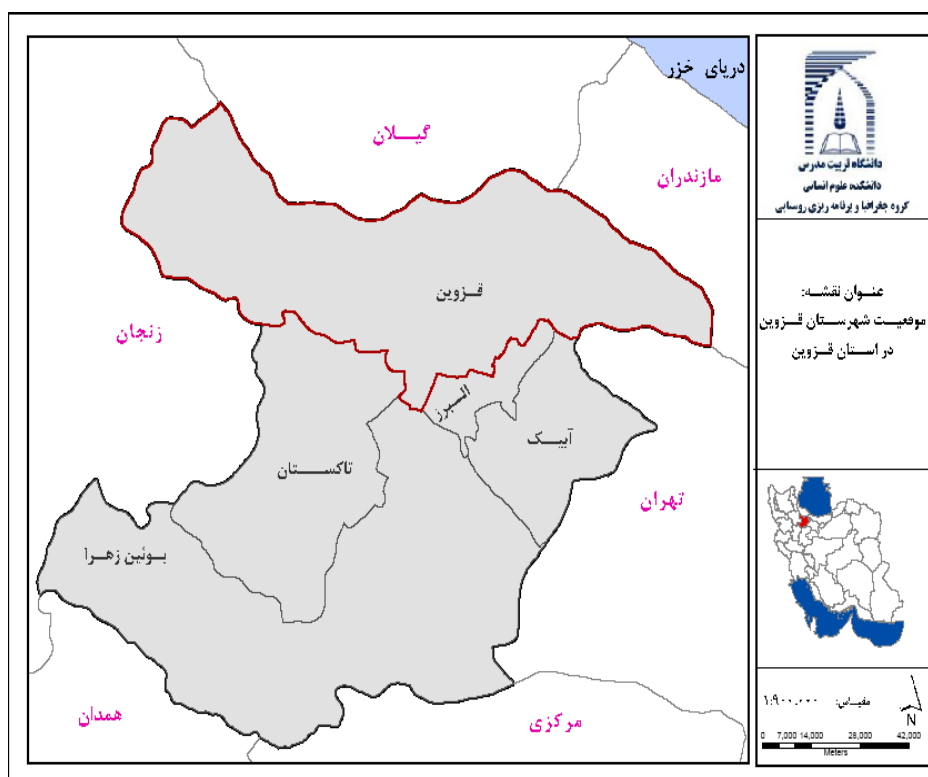
جدول (۲). شاخص‌ها و گویه‌های عملیاتی تغییرات الگوی مسکن روستایی

شاخص	گویه‌های تبیین کننده
رضایت از مسکن	میزان رضایت خانواده از الگوی جدید معماری، میزان احساس امنیت در مقابل سوانح طبیعی، میزان رضایت از موقعیت قرار گیری مسکن، میزان رضایت از مساحت واحد مسکونی و تعداد اتاق‌ها
پلان معماری	وجود اتاق مخصوص پذیرایی، اتاق‌های جداگانه برای خواب، سرویس بهداشتی داخل اتاق خواب، آشپزخانه اوپن، دو حیاط در منزل، داشتن حیاط خلوت، سرویس بهداشتی در داخل ساختمان
مقاومت مسکن	میزان مشورت در هنگام ساخت مسکن با مهندس متخصص، میزان برخورداری از آموزش در جهت ارتقاء دانش فنی روستائیان برای ساخت مسکن، میزان توجه به بستر و نوع خاک در هنگام ساخت مسکن، میزان نظارت مهندسان ناظر در روستا بر ساخت مسکن جدید و یا مرمت مسکن قدیمی
کیفیت بنا	کل مساحت مسکونی، کل مساحت زیربنا، محل قرار گیری سرویس بهداشتی، محل نگهداری دام، کیفیت ساخت بنا، نوع مصالح ساختمانی شامل (اسکلت فلزی، آجر یا سنگ، آهن و تیرچه بلوک، بلوک سیمانی، چوب، گل و خشت)، تعداد طبقات واحد مسکونی، نوع کاربری بنا شامل (فقط مسکونی، مسکونی و کارگاه، فقط)، تعداد اتاق در یک منزل مسکونی، نوع واحد مسکونی شامل (قدیمی ساخت، مرمتی، نوساز)، میزان احساس آسایش و آرامش در واحد مسکونی، وجود امکانات موجود در مسکن شامل (آب، برق، تلفن، گاز)، عمر ساختمان، مصالح به کار رفته در نمای واحد مسکونی شامل (مصالح با دوام، نیمه بادوام و کم دوام)، مصالح به کار رفته در نمای داخلی منزل، نوع وسیله گرمایش (شومینه، بخاری، کرسی، حرارت مرکزی و سایر) و وسیله سرمایش (کولر، پنکه، بادگیر و سایر)

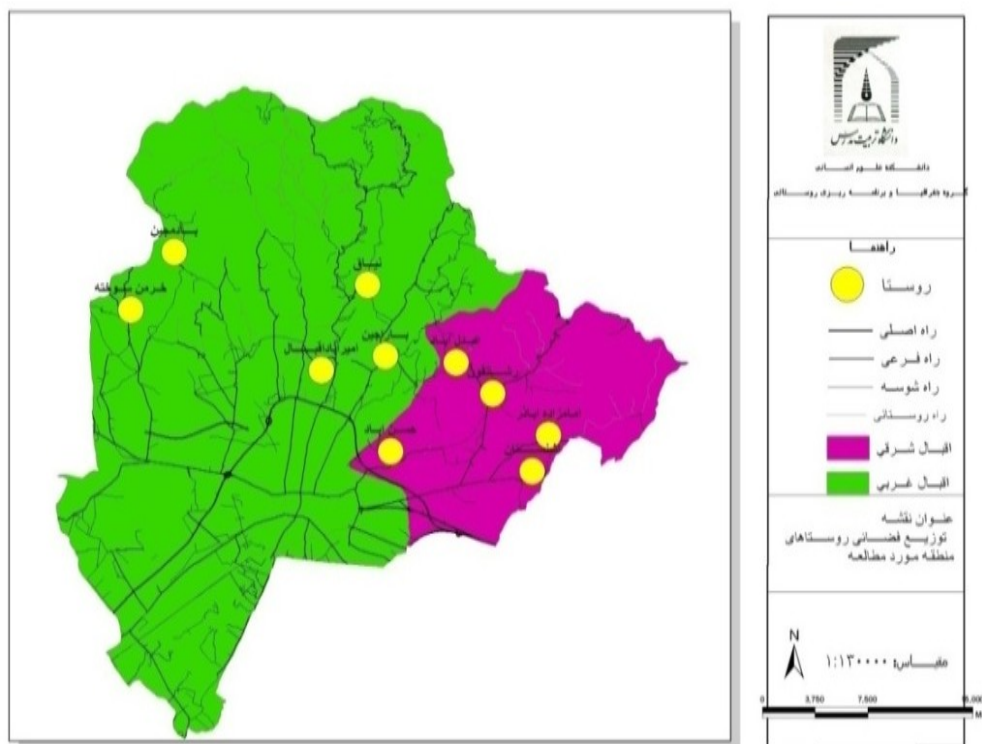
جدول (۳). شاخص‌ها و گویه‌های عملیاتی تغییرات فرهنگی

شاخص	گویه های تبیین کننده
گرایش به مهاجرت	میزان تمایل به زندگی در محیط روستا، میزان رضایت فرزندان از زندگی در روستا، میزان تأمین خواسته‌ها و مطالبات خانواده با تاکید بر شرایط فعلی روستا، میزان تمایل والدین برای زندگی با فرزندان که برای ادامه تحصیل به شهر رفته‌اند، میزان تمایل خانواده برای زندگی در یک محیط بزرگ‌تر از روستا، میزان امید در جهت کسب فرصت‌های شغلی مناسب برای فرزندان در محیط روستا، میزان تمایل والدین به ادامه تحصیل فرزندان در محیطی با امکانات آموزشی- درمانی و بهداشتی مناسب‌تر، میزان اعتقاد به نابرابری فرصت‌های اقتصادی (درآمد) در شهر و روستا، میزان اجبار سرپرست خانوار به مهاجرت در جهت کسب زندگی بهتر در شهر، میزان احساس امنیت خانواده در برابر مخاطرات طبیعی و شرایط اجتماعی، میزان اعتقاد خانواده به زندگی بهتر در شهر در مقایسه با روستا، میزان اعتقاد به پرباری زندگی در روستا و احساس خوش‌بینی نسبت به آینده با تداوم زندگی در روستا.
گسترش مصرف گرای	برخورداری از امکاناتی چون اتومبیل شخصی، جاروبرقی، تلویزیون، موتور سیکلت، ماشین لباس‌شویی، کتابخانه شخصی، کامپیوتر، ماشین ظرف‌شویی، رادیو، یخچال، فریزر، مبلمان، ماهواره، تختخواب، کولر، ویدئو
همبستگی اجتماعی	میزان برخورداری از رفتار مناسب با افراد مهاجر ساکن در روستا، نوع برخورد با شهرنشینانی که به صورت موقت در روستا ساکن هستند، میزان نزاع و درگیری‌هایی که به صورت کدخدامنشانه حل و فصل می‌شوند، میزان همدلی بین مردم روستا با روستاهای پیرامون در جهت انجام پروژه‌های عمرانی، میزان همدلی و یکدلی در میان ساکنین روستا نسبت به زمان‌های
تعاملات اجتماعی	میزان اهمیت خانواده به دید و بازدید از اقوام و خویشاوندان، میزان ترجیحات خانواده به انجام تفریحات و سرگرمی‌های جمعی به نسبت تفریحات فردی، میزان تمایل خانواده به شرکت در مراسم مذهبی و مناسبات‌های ملی، نوع نگرش خانواده به نهادها و تشکیلات دولتی، میزان اعتقاد به پیشرفت امور روستا در سایه همکاری و تعامل میان روستائیان، میزان تمایل به حل مشکل روستائیان در صورت بروز حوادث، میزان اهمیت خانواده به همکاری با دهیاری‌ها و شورای روستا، میزان اعتقاد به گذشت از منافع فردی برای حصول به منافع جمعی، میزان مشارکت خانواده در جلسه‌های عمومی روستا، میزان همکاری و مشارکت زنان در امور روستا
میزان ترس و نگرانی از شیوع ناهنجاری‌های اجتماعی	میزان ترس و نگرانی از تأثیر بعضی از جنبه‌های فرهنگی جامعه شهری بر افرادی که در ارتباط بیشتر با شهر هستند (دانش آموزان، دانشجویان، شاغلان)، نگرانی از کمرنگ شدن مذهب در زندگی جامعه روستایی، ترس از میزان مصرف مواد مخدر در میان جوانان روستایی، میزان افزایش سرقت اموال و احشام، ترس از شیوع طلاق
فعالیت‌های فرهنگی	میزان اختصاص اوقات فراغت خانواده به فعالیت‌های فرهنگی شامل: کار هنری، مطالعه کتاب، تماشای تلویزیون و ماهواره، مطالعه روزنامه و مجلات، رفتن به کتابخانه، تماشای فیلم‌های ویدئویی، ورزش
پذیرش فرهنگی	تغییر نوع پوشش خانواده حاصل از ارتباط با شهر، میزان استفاده خانواده از لهجه و زبان محلی، میزان تغییر سبک آرایش مو، میزان تمایل فرزندان به پوشیدن لباس سنتی و محلی، میزان تأثیر برنامه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای بر طرز رفتار فرزندان با والدین، میزان تغییر در الگوی مصرف مواد غذایی، میزان تغییر در سبک برگزاری ازدواج، میزان تعصب به فرهنگ و آداب و رسوم روستا، میزان تغییر در سن ازدواج، میزان تغییر در نحوه ساخت و تزئین نمای درونی و بیرونی مسکن روستایی

محاسبه وزن هر یک از شاخص‌های تغییرات فرهنگی نیز با استفاده از نظر ۲۰ نفر از کارشناس و با بهره‌گیری از روش وزن دهی توان رتبه‌ای انجام و برای رتبه‌بندی خانوارهای روستایی از لحاظ تغییرات فرهنگی نیز از مدل تاپسیس "TOPSIS" استفاده شده است. محدوده مورد مطالعه جهت تحقیق نیز بخش مرکزی شهرستان قزوین است. پرسشنامه طراحی شده در ۱۰ روستای این بخش شامل روستاهای بادمجین، امیرآباد، خرمن سوخته، نیاق، باراجین، عبدال آباد، حسن آباد، آشنستان، امام زاده اباذر و رشتقون و در نزد ۱۰۰ نفر از سرپرستان خانوار که به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده تکمیل شده‌اند. نقشه‌های زیر موقعیت جغرافیایی شهرستان، بخش مرکزی قزوین و توزیع فضایی روستاهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد.



نقشه (۱) موقعیت جغرافیایی شهرستان قزوین در استان قزوین



نقشه (۲) توزیع فضایی روستاهای مورد مطالعه

یافته‌ها

۱. وزن‌دهی شاخص‌های تبیین‌کننده تغییرات فرهنگی مطابق جدول (۴) به روش توان رتبه‌ای نشان می‌دهد که شاخص‌های مصرف‌گرایی، پذیرش فرهنگی و میزان فعالیت‌های فرهنگی بیشترین اوزان را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول (۴): برآورد وزن شاخص‌های تبیین‌کننده تغییرات فرهنگی از طریق روش توان رتبه‌ای

شاخص‌ها	وزن با استفاده از نظر کارشناس	رتبه مستقیم	وزن به روش توان رتبه‌ای	نرم استاندارد
میزان گرایش به مهاجرت	۳	۷	۱	۰/۰۰۷۱۴
مصرف گرایی	۳۰	۱	۴۹	۰/۳۵
همبستگی اجتماعی	۹	۵	۹	۰/۰۶۴
تعاملات اجتماعی	۱۵	۴	۱۶	۰/۱۱۴
ترس از بروز ناهنجاری	۵	۶	۴	۰/۰۲۸
فعالیت‌های فرهنگی	۱۸	۳	۲۵	۰/۱۷۸
پذیرش فرهنگی	۲۰	۲	۳۶	۰/۲۵۷
مجموع	۱۰۰	۲۸	۱۴۰	۱

۲. کاربرد مدل تاپسیس و محاسبه ضریب Ci به منظور رتبه بندی خانوارهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که بیشترین میزان تغییرات فرهنگی در خانوارهای ساکن روستای عبدال آباد از دهستان اقبال شرقی و کم‌ترین تغییرات فرهنگی در خانوارهای ساکن روستای خرمن سوخته از دهستان اقبال غربی قابل مشاهده است.

۳. نتایج تحقیق همانطور که جدول شماره ۵ نشان می‌دهند بین تغییرات فرهنگی و رضایت از مسکن، نقشه معماری، مقاومت مسکن، محل نگهداری دام در خارج از ساختمان، مصالح اصلی به کار رفته در ساخت مسکن، نوع بنای واحد مسکونی، تعداد خانوار، آسایش در منزل، نمای واحد مسکونی، مصالح کاربردی در نمای مسکن، نقشه معماری آشپزخانه، وسایل سرمایش و گرمایش منزل، مساحت کل زمین، مساحت کل زیربنا، عمر ساختمان و تعداد طبقات رابطه مستقیم معنادار وجود دارد؛ لذا می‌توان استنباط نمود که بین شاخص تغییرات فرهنگی و تغییرات الگوی مسکن در روستاهای نمونه نیز رابطه معناداری وجود دارد. شدت این رابطه در شاخص‌هایی چون محل نگهداری دام در خارج از واحد مسکونی، مصالح به کار گرفته شده در ساخت مسکن، نوع واحد مسکونی، عمر ساختمان، رضایت از مسکن و مصالح به کارگرفته شده از سایر مؤلفه‌ها بیشتر است.

جدول (۵) ضریب همبستگی بین تغییرات فرهنگی و تغییر در الگوی مسکن در سطح روستا

مؤلفه‌ها	ضریب همبستگی (r)	سطح معناداری (p)
رضایت از مسکن	۰/۹۴۴	۰/۰۰۰
پلان معماری	۰/۹۳۶	۰/۰۰۰
مقاومت مسکن	۰/۸۷۳	۰/۰۰۱
مساحت کل زمین	۰/۹۰۳	۰/۰۰۰
مساحت کل زیربنا	۰/۸۹۱	۰/۰۰۱
سرویس بهداشتی داخل ساختمان	۰/۷۴۰	۰/۰۱۴
محل نگهداری دام در خارج از واحد مسکونی	۰/۹۷۳	۰/۰۰۰
نوع بنای واحد مسکونی	۰/۹۳۴	۰/۰۰۰
مصالح اصلی به کار رفته در ساخت مسکن	۰/۹۷۳	۰/۰۰۰
تعداد طبقات	۰/۸۸۷	۰/۰۰۱
تعداد اتاق	۰/۵۰۹	۰/۱۳۳
نوع واحد مسکونی	۰/۹۶۰	۰/۰۰۰
احساس آسایش و آرامش در منزل	۰/۹۵۸	۰/۰۰۰
وجود امکانات زیربنایی (آب، برق، تلفن و گاز)	۰/۴۸۵	۰/۱۵۶
عمر ساختمان	۰/۹۵۷	۰/۰۰۰
مصالح به کار گرفته شده در نمای مسکن	۰/۸۰۸	۰/۰۰۵
پلان معماری آشپزخانه	۰/۸۹۶	۰/۰۰۰
وسيله گرمایش و سرمایش	۰/۹۲۴	۰/۰۰۰

۴. نتایج به دست آمده در تحلیل رگرسیون چند متغیره در سطح روستاهای نمونه ضریب تعیینی (R^2) معادل ۰/۶۸ را نشان می‌دهد. این بدان معناست که ۶۸ درصد تغییرات در الگوی مسکن روستاهای مورد مطالعه تابعی از تغییرات فرهنگی است. همچنین همان طور که ضرایب استاندارد شده بتا (Beta) در جدول (۶) نشان می‌دهد تغییرات فرهنگی بیشترین تأثیر را به ترتیب بر روی شاخص مصالح به کار گرفته شده در نمای مسکن، نوع سیستم گرمایشی و سرمایشی، رضایت از مسکن، محل نگهداری دام در خارج از واحد مسکونی و نوع بنای واحد

مسکونی داشته است. به این ترتیب می‌توان استنباط نمود که بیشترین میزان تغییرات در الگوی مسکن روستایی ناشی از تحولات فرهنگی در مصالح به کار رفته در نمای ظاهری ساختمان و تغییرات در وسایل تأمین کننده سرمایش و گرمایش قابل مشاهده است.

جدول ۶: رگرسیون چند متغیره تغییرات فرهنگی بر تغییرات الگوی مسکن روستایی

شاخص‌های مسکن	ضرایب استاندارد نشده		خطای معیار	B
	t	Beta		
رضایت از مسکن	۲/۱۰۹	۰/۳۲۷	۰/۰۰۵	۰/۰۱۱
پلان معماری	۰/۱۷۵	۰/۰۲۰	۰/۰۰۹	۰/۰۰۲
مقاومت مسکن	۱/۳۰۲	۰/۱۱۲	۰/۰۱۵	۰/۰۱۹
مساحت کل زمین	۰/۳۰۶	۰/۰۳۱	۰/۰۰۰	۴/۳۱۶
مساحت کل زیربنا	۰/۵۷۳	۰/۰۵۸	۰/۰۰۰	۶/۸۲۵
سرویس بهداشتی داخل ساختمان	۰/۴۰۶	۰/۰۳۸	۰/۰۲۳	۰/۰۰۹
محل نگهداری دام خارج از واحد مسکونی	۳/۰۹۴	۰/۲۱۹	۰/۰۱۲	۰/۰۳۷
نوع بنای واحد مسکونی	۲/۰۲۸	۰/۲۱۴	۰/۰۲۲	۰/۰۴۵
مصالح اصلی به کار رفته در ساخت مسکن	۱/۰۸۲	۰/۱۴۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵
تعداد طبقات	۱/۳۲۰	۰/۱۰۲	۰/۰۲۴	۰/۰۳۱
تعداد اتاق	۰/۴۲۵	۰/۰۵۰	۰/۰۱۰	۰/۰۰۴
احساس آسایش و آرامش در منزل	۰/۲۰۶	۰/۰۲۳	۰/۰۱۴	۰/۰۰۳
امکانات زیربنایی	۱/۲۴۵	۰/۰۸۸	۰/۰۳۲	۰/۰۳۹
عمر ساختمان	۱/۴۶۴	۰/۲۰۹	۰/۰۱۷	۰/۰۲۴
مصالح به کار رفته در نمای مسکن	۲/۷۵۰	۰/۴۲۷	۰/۰۲۷	۰/۰۷۵
پلان معماری آشپزخانه	۰/۲۲۹	۰/۰۲۴	۰/۰۰۹	۰/۰۰۲
وسایل گرمایش و سرمایش منزل	۴/۰۳۵	۰/۴۱۳	۰/۰۰۴	۰/۰۱۷

نتیجه‌گیری

همان‌طور که مطرح گردید مقاله حاضر اثرات تغییرات فرهنگی را بر تغییر الگوی مسکن روستایی مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. تحلیل‌های آماری نشان می‌دهند که تغییرات فرهنگی در تغییر الگوی مسکن روستایی بخش مرکزی شهرستان قزوین موثر بوده است. به طوری که همبستگی تغییرات فرهنگی در اکثر ابعاد، تغییر الگوی مسکن روستایی را در قالب سوالات تحقیق به اثبات رسانده است؛ لذا می‌توان استنباط نمود که رابطه بسیار قوی با جهت مثبت میان تغییرات فرهنگی و الگوی مسکن روستایی قابل مشاهده است. به این ترتیب به نظر می‌رسد که با افزایش شاخص تغییرات فرهنگی، نقشه و طرح الگوی مسکن روستایی به سمت شهری شدن هدایت شده و به طور نسبی مسکن از مقاومت بیشتری برخوردار شده‌اند. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند با شدت یابی سطح تغییرات فرهنگی در سطح خانوارهای نمونه تعداد طبقات واحدهای مسکونی نیز افزایش یافته و مصالح به کار گرفته شده در جهت نمای ساختمانها به صورت نماهای سنگی مطابق با الگوی شهری تغییر ماهیت داده و استفاده از وسایل برقی جهت سرمایش و گرمایش واحدهای مسکونی به جای روش‌های سنتی رواج یافته است. بر این مبنای مفهوم تغییرات فرهنگی را به عنوان عنصر اجتناب‌ناپذیر جوامع روستایی که به صورت خزنده و از طریق پخش فضایی اقدام به استحاله فرهنگ‌ها، باورها و سنن حاکم بر جوامع روستایی می‌نماید تلقی نماییم در آن صورت می‌توان تغییرات بافت کالبدی سکونتگاه‌های روستایی بویژه مسکن را از پیامدهای اصلی آن قلمداد نمود؛ لذا لازم است به منظور حفظ هویت معماری سنتی روستاهای کشور اقدامات ضروری در این خصوص انجام پذیرد.

منابع

۱. ازکیا، م. (۱۳۷۹)، «جامعه‌شناسی توسعه»، تهران، انتشارات کلمه.
۲. امان‌اللهی، س. (۱۳۶۲)، «نظام اجتماعی - سیاسی ایل بهاروند و تغییر و تحول آن»، تهران، انتشارات آگاه.
۳. ریویز، ک. (۱۳۷۹)، «درآمدی بر انسان‌شناسی»، ترجمه: ناصر فکوهی، تهران، انتشارات نشر نی.
۴. روح‌الامینی، م. (۱۳۷۰)، «زمینه فرهنگ‌شناسی»، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۵. روح‌الامینی، م. (۱۳۷۴)، «زمینه فرهنگ‌شناسی»، تهران، انتشارات عطار.
۶. زراعی پوردژکوه، ح. ر. (۱۳۷۵)، «بررسی مردم‌شناختی معماری سکونتگاه‌های سنتی ده‌دشت و سیر تحول آن»، تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
۷. طاهرخانی، م. (۱۳۸۲)، «توزیع جغرافیایی محصولات فرهنگی و نقش آن در مهاجرت جوانان روستایی، مطالعه موردی: استان قزوین»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۶.
۸. فاستر، ج. (۱۳۷۸)، «جوامع سنتی و تغییرات فنی»، ترجمه سید مهدی ثریا، نشر افرا.
۹. فکوهی، ن. (۱۳۸۱)، «تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی»، تهران، انتشارات نشر نی.
۱۰. مالیونوفسکی، ب. (۱۳۷۱)، «نظریه علمی درباره فرهنگ»، ترجمه عبدالحمید زرین قم.
۱۱. معینی، ج. (۱۳۷۴)، «نظریه و فرهنگ»، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات بین‌المللی.
12. Al. Naim, M. and Mahmud, S (2004), "Is transformation in the traditional dwellings one way of making slums or a solution to accommodate more people and new functions: A case in Dhaka and Hofuf," *GBER* 5 (1):30-44
13. Ember (1998), "*Cultural Anthropology*," London, Sal, UK."
14. Hacıhasanoglu, I. and Hacıhasanoglu, O (2005), "*Cultural processes and physical change in Sisli -Istanbul*".

15. Hsu, S (2002), "A transformation of traditional Chinese residential architecture in Richmond B. C (Greatervancouver)", PhD Dissertation, Dalhousie University, Halifax, Novascotia.
16. Johnson. K, (2000), "Television and social change in Rural India, New Delhi".
17. Leaf. M. (2000), "A tale of two villages: Globalization and peri-urban change in China and Vietnam", *Cities*", Vo1,19, No1.
18. Mai. M and shamsuddin, Sh. (2005), "***Urbanization and Globalization of Gbagyi Housing Transformation***".
19. Mhasa, M., Gomes, C. (2000), "Rural housing in Bangladesh: An inquiry to housing typology", *Construction Technology*.
20. Rymond, B. and Androw. N (2000), "The Trajectories of rural life: New perspectives on rural Canada", Mont Alison University.
21. Rogers, E. (1962), "***Diffusion of innovations***", NewYork Free Press of Glenco.
22. Saleh, M.A., (1998), "Integration of tradition and modernity", *Habita International*, Vo1, 22, No 1.
23. Turgat, H. (2001), "Culture, continuity and change: Structural anahysis of the housing pattern in squatter settlement", *Global Environment Research (GBER)* (1):17-25
24. Wells, c. (1971), "***Man in his world***". London: John Baker Pub. Ltd.
25. Walker, A. (2001), "The social context of built form: The case of informal housing production in Mexico City". Wworking paper No. 114, University College London: 16-18.
Zhang, W, (2002), "Changing nature of family relation in a Hebei village in change", *Journal of contemporary Asia*", vo1, 32, no 2.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.